

Comparing the Effectiveness of Choice Theory Training and Exploration Philosophy on Responsibility and Self-efficacy of Working Children in Rasht City, Iran

Jamali SK¹, *Kafi SM², Abolghasemi A², Akbari B³

Author Address

1. PhD Student, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran;
2. Professor, Department of Psychology, University of Guilan, Faculty of Humanities, Rasht, Iran;
3. Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.
Corresponding author Email: mosakafie@yahoo.com

Received: 2022 June 23; Accepted: 2022 November 18

Abstract

Background & Objectives: It is very important to pay attention to children as potential assets of society. Working children are among the most at-risk groups because they are at greater psychological and physical risk than other groups and need more support. Considering that child labor is one of the most important social harms that reports about it are published every day, it is crucial to conduct research to find the main problems of these children, including improving self-efficacy and responsibility. Philosophy for children has clear cognitive goals. It forces the mind to act, and it does so through the challenges of principled thinking and structured interaction. On the other hand, according to the principles of choice theory, people can be helped to make better choices in order to experience pleasant feelings and efficient behavior. So, this study aimed to compare the effectiveness of choice theory training and exploratory philosophy on the responsibility and self-efficacy of working children.

Methods: The current research method was quasi-experimental with a pretest-posttest design and a control group. The statistical population of the present study includes all working children aged 12 to 14 years living in Rasht City, Iran in 2020–2021. The statistical population comprised 120 people. The statistical sample of the study was 30 children who were selected as qualified volunteers by the accessible sampling method. After confirming and signing the consent form to participate in the research, they were randomly assigned to 3 groups: the experimental group of choice theory (10 children), the experimental group of exploration philosophy (10 children), and the control group (10 children). The inclusion criteria were as follows: subject's consent to participate in the study, aged 12 to 14 years, and studying. The exclusion criteria were as follows: the subject's lack of consent to participate or continue to attend the study, lack of suitable physical or mental conditions to complete answering the questionnaires, and failure to complete the questionnaires in a way that has a negative effect on the results. All three groups responded to the Personal Responsibility Scale for Adolescents (Mergler and Shield, 2016) and General Self-Efficacy Scale (Schwarzer and Jerusalem, 1995) in the pretest and posttest stages. Implementation of selection theory training was in 8 sessions of 1.5 hours, one session per week. The implementation of the program of teaching exploration philosophy to children was in 10 sessions of 1.5 hours, one session per week. To analyze the data, in addition to the use of central tendency indices and dispersion indices as descriptive statistics, inferential statistics were used, including covariance analysis and the Bonferroni post hoc test at a significant level of 0.05 via SPSS software version 23.

Results: The results showed that therapeutic interventions based on selection theory and exploration philosophy increased the self-efficacy ($p < 0.001$) and responsibility ($p < 0.001$) of the experimental groups compared to the control group. There was a significant difference between the effectiveness of treatment based on choice theory and the treatment of exploration philosophy on increasing the self-efficacy of child labor ($p < 0.001$). However, no significant difference was observed between the effectiveness of the mentioned therapeutic interventions on increasing the responsibility of child labor ($p = 0.686$).

Conclusion: According to the research findings, the selection theory method has the strongest effect on the self-efficacy of working children but selection theory teaching and exploratory philosophy teaching have the same effect on the responsibility of these children.

Keywords: Choice theory teaching, Exploratory philosophy teaching, Accountability, Self-efficacy, Working children.

مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار ۱۲ تا ۱۴ سال رشت

سیده‌خدیجه جمالی^۱، *سیدموسی کافی^۲، عباس ابوالقاسمی^۲، بهمن اکبری^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران؛

۲. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه گیلان، دانشکده علوم انسانی، رشت، ایران؛

۳. استاد، گروه روان‌شناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

*رأی‌نامه نویسنده مسئول: mosakafi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۲ تیر ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۷ آبان ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: کودکان کار درمقایسه با سایر گروه‌ها در معرض خطر بیشتر روانی و جسمی قرار دارند و نیازمند حمایت‌های بیشتری هستند. پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار ۱۲ تا ۱۴ سال شهر رشت انجام گرفت.

روش بررسی: روش این مطالعه، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی کودکان کار در شهرستان رشت در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند. سی نفر از کودکان کار واجد شرایط داوطلب به‌روش دردسترس وارد مطالعه شدند و به‌صورت تصادفی در سه گروه آموزش تئوری انتخاب ($n=10$) و آموزش فلسفه کندوکاو ($n=10$) و گواه ($n=10$) قرار گرفتند. هر سه گروه در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به مقیاس مسئولیت‌پذیری شخصی برای نوجوانان (مرگلر و شیلد، ۲۰۱۶) و مقیاس خودکارآمدی شوارزر و جروسالم (شوارزر و جروسالم، ۱۹۹۵) پاسخ دادند. آموزش تئوری انتخاب در هشت جلسه یک‌ونیم‌ساعته و هفته‌ای یک جلسه و آموزش فلسفه به کودکان در ده جلسه یک‌ونیم‌ساعته و هفته‌ای یک جلسه بود. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس و آزمون تعقیبی بونفرونی در سطح معناداری ۰/۰۵ به‌کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، مداخله‌های درمانی مبتنی بر تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو موجب افزایش خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری گروه‌های آزمایش درمقایسه با گروه گواه شد ($p<0/01$). بین اثربخشی درمان مبتنی بر تئوری انتخاب و درمان فلسفه کندوکاو بر افزایش خودکارآمدی کودکان کار تفاوت معنادار وجود داشت ($p<0/01$)؛ اما بین اثربخشی مداخله‌های درمانی مذکور بر افزایش مسئولیت‌پذیری کودکان کار تفاوت معنادار مشاهده نشد ($p=0/686$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته‌های پژوهش، روش آموزش تئوری انتخاب دارای اثربخشی بیشتری بر میزان خودکارآمدی کودکان کار است؛ اما دو روش آموزشی اثر یکسانی بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار دارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش تئوری انتخاب، آموزش فلسفه کندوکاو، مسئولیت‌پذیری، خودکارآمدی، کودکان کار.

برای ارضای نیازهای خود و مسئولانه عمل کردن برای تأمین این نیازها، رفتار غیرمسئولانه‌ای از خود نشان می‌دهند؛ یعنی دیگران را مسئول شکست خود می‌پندارند و خود را مسبب چنین وضعیتی نمی‌دانند؛ نتیجه این بی‌مسئولیتی، ناتوانی در برقراری روابط سالم و محبت‌آمیز با دیگران، ناتوانی در تصمیم‌گیری و شکست‌های پیاپی در زندگی خواهد بود (۱۲).

ازسوی دیگر باتوجه به چالش‌های موجود در زندگی کودکان کار می‌توان به مؤلفه خودکارآمدی^۳ اشاره کرد. به تعبیر شوارزر^۴، خودکارآمدی به باور انسان درباره توانایی انجام موفق وظیفه‌ای خاص گفته می‌شود (به نقل از ۱۳). از نظر بندورا^۵ خودکارآمدی به احساس توانایی در سازگارشدن با مسائل مختلف زندگی اشاره می‌کند (به نقل از ۱۴). بندورا معتقد است، ارزیابی‌های خودکارآمدی زمانی تأثیر عمیقی بر سطوح انگیزه دارد که باور داشته باشیم تکالیف را به‌خوبی انجام می‌دهیم و باوجود مکث‌های موقت روی آن‌ها سخت‌تر و با پشتکار بیشتری کار می‌کنیم. به نظر او، هنگامی که افراد توانایی‌های خود را در رویارویی و اثرگذاری بر ناملایمات ناتوان ببینند، دچار افسردگی می‌شوند (به نقل از ۱۵).

یکی از راه‌های ارتقای مهارت‌های شناختی و زندگی، آموزش شیوه تفکر است. کانت^۶ معتقد است که «درست اندیشیدن» بر «اندیشه درست» ارجحیت دارد (به نقل از ۱۶). در این چهارچوب، به کودکان آموخته می‌شود، به‌نحوی مسائل را تجزیه و تحلیل کنند تا به‌لحاظ منطقی به نتیجه درست که پایه تصمیم‌آتی آن‌ها خواهد بود، دست یابند. درواقع کودکان کار که شرایطی تشنزا و چالش‌برانگیز را تجربه می‌کنند، تمایلی به اطاعت از دستورعمل‌های تجویزی ندارند. یکی از راهکارهای عملی آن است که شیوه تفکر صحیح^۷ به آنان آموخته شود تا درمقابل چالش‌های موجود، محافظت شوند (۱۷). این خصیصه به کودکان کار کمک می‌کند تا به‌جای پذیرش بی‌چون و چرای واقعیات و عقاید همسالان و دیگران، به‌طور آگاهانه و خردمندانه درباره این عقاید اندیشه‌ورزی کنند. باتوجه به شرایط خاص این کودکان، اگر آموزش در آن‌ها درونی نشده باشد، کافی است مدتی از محیط آموزش دور باشند تا آن‌ها را فراموش کنند و به‌شیوه گذشته خود ادامه دهند؛ بنابراین دستیابی به توانایی فلسفه‌ورزی امری آموزش‌پذیر به‌شمار می‌رود و یکی از رویکردهای آن، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان^۸ (فبک) است.

در حلقه کدوکاو که عنصر کلیدی برنامه فلسفه برای کودکان تلقی می‌شود، کودکان دور یکدیگر می‌نشینند و ازطریق گفت‌وگوی ضمن آموزش، درباره پرسش‌های مطرح‌شده به عقایدی دست می‌یابند، از آن دفاع می‌کنند، با گروه‌های مقابل چالش می‌کنند، خطای خود را درمی‌یابند و درنهایت موقعیت‌های مبهم را روشن می‌کنند و به یافته‌های جدیدی دست می‌یابند (۱۸). این امر باعث افزایش مشارکت، تعامل، همدلی و احترام به نظرات یکدیگر و احترام به حقوق آن‌ها می‌شود.

دوره کودکی از دوره‌های مهم‌تر زندگی بشر است. شخصیت انسانی در دوره کودکی شکل می‌گیرد و این تحول در دوره‌های بعدی کامل می‌شود. زندگی بهداشتی و اجتماعی بسیاری از کودکان چنان است که دستیابی به چنین هدفی را دشوار و گاه ناممکن می‌سازد (۱). یکی از مشکلاتی که کودکان را در جوامع درحال‌توسعه تهدید می‌کند، پدیده کودکان کار^۱ است. این کودکان باتوجه به شرایط خاص زندگی‌شان از ابراز نقش مناسب سن خویش محروم هستند؛ بنابراین در زمره اقشار آسیب‌پذیرتر جامعه قرار دارند (۲). آمار کودکان کار ایران بین ۳ تا ۷ میلیون عنوان شده است؛ اما به دلیل اینکه اغلب کودکان کار هیچ‌گونه ثبت هویتی ندارند، نمی‌توان آمار دقیقی در این زمینه ارائه کرد (۳). کودکان کار توسط یونسف این‌گونه تعریف می‌شوند: «همه کودکانی که به دلیل نبود والدین یا نظارت‌نداشتن آن‌ها علاقه‌ای به درس‌خواندن و گذراندن وقت در خانه ندارند و به‌ناچار در خیابان کار و زندگی می‌کنند» (۴).

کار در محیط‌های نامناسب سبب می‌شود که کودکان کار در معرض آسیب‌های جسمی زیادی قرار بگیرند. کودکان کار علاوه بر آسیب‌های جسمی با آسیب‌های غیرجسمی که معمولاً برگشت‌ناپذیر است، روبه‌رو هستند (۵). نیکولا و کاسوف با ارزیابی تأثیر کار کودکان بر سلامت کودکان در برزیل نشان دادند، کار کودکان با وضعیت سلامتی کودک رابطه منفی دارد و هرچه ساعت کار بیشتر باشد، وضعیت بهداشتی کودک بدتر است (۶). آرانسیولا و جاستوس با هدف بررسی خطر کار کودکان بر سلامت روان، ادعا کردند که تأثیر کار کودکان از سلامت جسمی بر سلامت روان افراد فراتر می‌رود (۷).

مقابل به چالش‌ها بخش جدایی‌ناپذیر زندگی است؛ اما باتوجه به سطح مسئولیت‌پذیری^۲، توانایی افراد برای مقابله با این چالش‌ها بسیار متفاوت است. مسئولیت‌پذیری، یعنی پاسخ‌گویی به نیازهای خود و دیگران و انجام وظایف فردی و اجتماعی به بهترین نحو (۸). هر فرد برای نیازهای پنج‌گانه خود که شامل بقا و زنده ماندن، عشق و احساس، تعلق، آزادی، قدرت و پیشرفت و تفریح است، تصاویری را در ذهن خود به‌وجود می‌آورد که گلاسرا آن را آلبوم تصاویر شخصی می‌نامد. از نظر گلاسرا، فقدان مسئولیت‌پذیری و ارضای نیازهای پنج‌گانه و وجود هویت شکست موجب افسردگی می‌شود (۹). گلاسرا مسئولیت‌پذیری را توانایی فرد در برآورده کردن نیازهای خود می‌داند؛ البته به‌شیوه‌ای که مانع برآورده شدن نیازهای دیگران نشود (۱۰)؛ بنابراین شخصی مسئولیت‌کاری را عهده‌دار می‌شود که تعدادی از فعالیت‌ها و وظایف را به‌درستی انجام دهد یا بر انجام این وظایف توسط دیگران، نظارت و دقت کافی داشته باشد (۱۱). به اعتقاد گلاسرا، شکست در برآوردن نیازهای اولیه، تجربه‌ای رایج است؛ چراکه واقعیت همیشه با افراد سازگار نیست (۱۰)؛ اما برخی از اشخاص زمانی که نمی‌توانند نیازهایشان را برآورده کنند، به‌جای پذیرش مسئولیت و یافتن راهی مؤثر

۵. Bandura

۶. Kant

۷. Correct way of thinking

۸. Philosophy for Children

۱. Child labor

۲. Responsibility

۳. Self-efficacy

۴. Schwarzer

عزت نفس در دانش‌آموزانی با عزت نفس ضعیف بود (۲۶). بربر چلیک و اوداسی در پژوهشی به ارزیابی مداخله گروهی روان‌شناختی مبتنی بر واقعیت‌درمانی برای مقابله با وقفه تحصیلی پرداختند. نتایج نشان داد، برنامه آموزشی بر کاهش رفتارهای اهمال‌کارانه و مسئولیت‌پذیری دانشجویان تأثیرگذار است (۲۷).

تعداد زیادی از کودکان کار به دلیل شرایط نامناسب خانوادگی، موقعیت مکانی (محله) و وضعیت محل کار با آسیب‌های متعددی روبه‌رو هستند. محیط خانواده در این خانواده‌های آسیب‌دیده، برعکس، بیش از آنکه مکان مناسبی برای روان این کودکان باشد، جایی است که آن‌ها احساس راحتی نمی‌کنند. خشونت خانگی، خشونت جنسی در خانه یا خیابان یا محل کار، وضعیت اقتصادی خانواده و...، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به روح و روان کودک وارد می‌سازد. بسیاری از این کودکان با مشکلاتی چون نبود خودکارآمدی، بی‌اعتمادی به دیگران، طرد اجتماعی و... مواجه هستند (۶). یافتن روش‌های مؤثر برای پیشگیری از گسترش مشکلات رفتاری کودکان در معرض خطر ایجاب می‌کند که تحقیقات بیشتری در زمینه کودکان کار صورت گیرد؛ بنابراین قصد پژوهشگران در این پژوهش، مقایسه دو روش آموزشی نظریه انتخاب و فلسفه کندوکاو بر بهبود خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری کودکان کار بود که از طریق آموزش فلسفه به کودکان و نظریه انتخاب می‌توان مهارت‌های لازم را آموزش داد. باتوجه به آنچه گفته شد، هدف این پژوهش، مقایسه اثربخشی دو روش آموزشی نظریه انتخاب و فلسفه کندوکاو بر بهبود مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار ۱۲ تا ۱۴ سال بود.

۲ روش بررسی

روش پژوهش حاضر، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی کودکان کار رده سنی ۱۲ تا ۱۴ سال واقع در شهرستان رشت در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند. تعداد جامعه آماری ۱۲۰ نفر بود. باتوجه به اینکه در پژوهش‌های آزمایشی حداقل نمونه باید پانزده نفر باشد (۲۸)، در این پژوهش با هدف افزایش اعتبار بیرونی پژوهش و احتمال افت آزمودنی، نمونه آماری مطالعه سی نفر بود که به‌صورت واجد شرایط داوطلب به‌روش دردسترس وارد مطالعه شدند. آزمودنی‌ها پس از تأیید و امضای فرم رضایت از شرکت در پژوهش، به‌طور تصادفی در سه گروه آزمایش آموزش تئوری انتخاب (ده نفر)، گروه آموزش فلسفه کندوکاو (ده نفر) و گروه گواه (ده نفر) قرار گرفتند. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بود از: رضایت آزمودنی به شرکت در مطالعه؛ رده سنی ۱۲ تا ۱۴ سال؛ مشغول به تحصیل بودن. ملاک‌های خروج، رضایت‌نداشتن آزمودنی از شرکت یا ادامه حضور در مطالعه، برخورداری نداشتن از شرایط جسمی یا روحی مناسب برای اتمام پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه‌ها و نقص در تکمیل پرسش‌نامه‌ها بود؛ به‌گونه‌ای که بر نتیجه تأثیر منفی بگذارد. به‌لحاظ رعایت ملاحظات اخلاقی از شرکت‌کنندگان رضایت‌نامه دریافت شد که نزد محققان محفوظ است. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات محرمانه خواهد ماند؛

علاوه بر مطالب مذکور، آن‌ها متوجه می‌شوند که دیگران حق دارند نظرات خود را بیان کنند؛ بنابراین در این فرایند یاد می‌گیرند که از گفت‌وگوهای قطبی اجتناب ورزند، در هنگام نظر دادن دیگران سکوت کنند، به نظرات گوش دهند و در نهایت برای آنان به‌عنوان اعضای یک جامعه، ارزش قائل شوند (۱۹). به این ترتیب، برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان، روشی برای کمک به کودکان است تا به‌عنوان یک انسان در جامعه زندگی کنند و مهارت‌های یک انسان خوب بودن را بیاموزند (۲۰). پین در پژوهش خود به بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد تفکر و بحث و گفت‌وگو پرداخت. یافته‌ها نشان داد، آموزش فلسفه برای کودکان بر رشد مؤلفه‌های تفکر و بحث و گفت‌وگو در کودکان تأثیر مطلوب و معنادار دارد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تفکر انتقادی و دیگر مهارت‌ها به دانش‌آموزان انتقال‌پذیر است (۲۱). کاریکو با انجام پژوهشی با عنوان «مسئولیت‌پذیری جدید و چالش آموزش و پرورش: وضعیت کنونی و آینده فلسفه برای کودکان» دریافت، اگر توانایی فکر کردن انتقادی در دوران کودکی ایجاد نشود، بعید به نظر می‌رسد که در بزرگسالی شکوفا شود (۲۲). عبدالله‌زادگان و سرداری نشان دادند، آموزش فلسفه به کودکان منجر به تفاوت معنادار بین گروه‌ها در خودکارآمدی خلاق و خودتعیین‌گری و ابعاد آن شامل شناخت خود، شناخت ارزش‌ها، اجرا و تجربه نتایج می‌شود (۲۳).

همچنین یکی دیگر از رویکردهایی که می‌تواند در زمینه مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی مؤثر واقع شود، واقعیت‌درمانی مبتنی بر تئوری انتخاب^۱ است. رویکرد واقعیت‌درمانی گلاسبر یکی از مداخلات درمانی رایج در راه توصیف و تبیین قوانین رفتاری است. نظریه انتخاب اعتقاد دارد که هر آنچه از ما سر می‌زند، رفتار است. همه رفتارها از درون برانگیخته می‌شوند و هدف‌گرا هستند. هدف هر رفتاری ارضای یکی از پنج نیاز اساسی (عشق و احساس تعلق، قدرت، تفریح، آزادی، بقا) است. نظریه انتخاب معتقد است، وقتی افراد در برآوردن نیازهای خود شکست می‌خورند، دست به رفتار می‌زنند؛ یعنی رفتارها و اعمال خاصی را برای رفع نیازهای خود انتخاب می‌کنند (۱۰). گلاسبر اذعان می‌دارد، مردم می‌توانند با انتخاب آگاهانه رفتارشان، زندگی خود را بهتر کنند و رفتارهای سودمند و اثربخش را از طیف وسیع رفتارهای ممکن انتخاب یا حتی خلق کنند (۲۴).

نظریه انتخاب بر آنچه درمان‌جویان در روابط می‌توانند کنترل کنند، تمرکز می‌کند و اعتقاد دارد، مشکلات روانی ناشی از این تفکر است که توسط نیروهای بیرونی کنترل می‌شود؛ بنابراین فرد ناامید و افسرده، شرایط ناگوار خود را بر دوش دیگران و جامعه یا گذشته‌اش می‌گذارد و خود را مسئول نمی‌داند (۲۵). افراد برای برخورداری از احساسات بهتر درباره خود و زندگی باید پذیرای مسئولیت باشند. باتوجه به اینکه هدف نهایی تئوری انتخاب پذیرش واقعیت و مسئولیت‌پذیری است (۱۰)، نگ و پیچ با بررسی واقعیت‌درمانی اصلاح‌شده مداخله جدید برای کمک به تقویت عزت نفس در مدارس متوسطه مالزی، با استفاده از طیف وسیعی از زمینه‌ها از جمله نظریه انتخاب، واقعیت‌درمانی، رویکرد هویت اجتماعی و تجربه دست اول در مدارس متوسطه مالزی، روشی ساده و آسان ارائه کردند. نتایج پژوهش حاکی از افزایش

^۱. Reality Therapy based on the Theory of Choice

بدین منظور، پرسش نامه پژوهش بدون نام بود و یک کد به هر فرد اختصاص یافت.

برای جمع آوری داده ها ابزارها و جلسات آموزشی زیر به کار رفت.

– مقیاس مسئولیت پذیری شخصی برای نوجوانان^۱: این مقیاس توسط مرگلر و شیلد در سال ۲۰۱۶ به منظور سنجش مسئولیت پذیری شخصی برای نوجوانان طراحی و تدوین شد (۲۹). این مقیاس دارای پانزده سؤال و سه مؤلفه پاسخ گویی شخصی، کنترل رفتاری و کنترل شناختی است و براساس طیف چهارگزینه ای لیکرت با سؤالاتی مانند (با دیگران با احترام برخورد می کنم؛ زیرا دوست دارم دیگران نیز این گونه با من برخورد کنند) به سنجش مسئولیت پذیری شخصی برای نوجوانان می پردازد. نمره بیشتر در مقیاس نشان دهنده مسئولیت پذیری بیشتر در آزمودنی است (۲۹). مرگلر و شیلد پایایی مقیاس را به روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه های پاسخ گویی شخصی و کنترل رفتاری/هیجانی و کنترل شناختی به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۱ و ۰/۷۱ به دست آوردند (۲۹).

در ایران این مقیاس توسط جوکار و همکاران اعتباریابی شد. برای بررسی روایی و پایایی ابزار، ابتدا ارزیابی روایی ترجمه با استفاده از ترجمه وارونه صورت گرفت. بدین ترتیب که بعد از ترجمه ابزار توسط محققان، دو نفر از دانشجویان دکتری زبان انگلیسی این ترجمه را مجدد به انگلیسی برگرداندند و پس از تطبیق ترجمه با متن اصلی اصلاحاتی در آن صورت گرفت. سپس با انجام مطالعه ای مقدماتی روی چند نفر از دانش آموزان، اصلاحاتی از نظر استفاده از لغات مفهوم و مناسب انجام شد. در نهایت این مقیاس روی مشارکت کنندگان اصلی اجرا شد. پایایی ابزار نیز مطلوب بود و ضریب آلفای کرونباخ برای کنترل شناختی/پاسخ گویی برابر با ۰/۹۳ و برای کنترل رفتاری/هیجانی ۰/۷۰ به دست آمد. نتیجه آنکه این ابزار برای اندازه گیری مسئولیت پذیری شخصی دانش آموزان دوره های اول و دوم متوسطه که در سنین نوجوانی قرار دارند، با دو عامل مناسب به نظر می رسد (۳۰).

– مقیاس خودکارآمدی عمومی^۲: این مقیاس توسط شوارزر و جروسالم در سال ۱۹۹۵ با هدف ارزیابی خودکارآمدی ساخته شد (۳۱). جروسالم و شوارزر این مقیاس را در سال ۱۹۸۱ به زبان آلمانی

طراحی کردند که دارای بیست گویه با دو خرده مقیاس خودکارآمدی عمومی و خودکارآمدی اجتماعی بود؛ اما بعدها این ابزار به مقیاس ده گویه ای خودکارآمدی عمومی تبدیل شد. نمره گذاری این مقیاس به صورت طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم از یک تا چهار است. نمره کل خودکارآمدی از جمع نمرات تمام گویه ها به دست می آید. نمره بیشتر در مقیاس نشان دهنده خودکارآمدی قوی آزمودنی است (۳۱). روایی و پایایی خارجی ابزار در پژوهش های متعددی بررسی و تأیید شده است؛ برای مثال، ضریب آلفای کرونباخ ابزار در آلمان ۰/۸۱ و در کانادا ۰/۸۸ و در انگلستان ۰/۸۸ گزارش شد (۳۱). رجبی در سال ۱۳۸۵، روایی و پایایی فرم فارسی مقیاس را در جمعیتی دانشجویی در دانشگاه شهید چمران و دانشگاه آزاد مرودشت بررسی و تأیید کرد و ضریب پایایی مقیاس ۰/۸۲ به دست آمد (۳۲).

– آموزش تئوری انتخاب: در این پژوهش، آموزش تئوری انتخاب براساس اصول تئوری انتخاب گلاس (۱۰) با تأکید بر مسئولیت پذیری طرح ریزی شد. اجرای این برنامه در هشت جلسه یک و نیم ساعته و هفته ای یک جلسه بود. روایی محتوای این برنامه مداخله در پژوهش امانی به تأیید رسید (۳۳).

– آموزش فلسفه به کودکان: به منظور اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان از مجموعه سه جلدی *داستان های فکری فیلیپ کم*، ترجمه شهرتاش و ابراهیمی در سال ۱۳۸۵، برای کودکان ۱۲ تا ۱۴ سال استفاده شد (۳۴). این داستان ها دارای مضمون فلسفی و اخلاقی و اجتماعی هستند و برای رشد تفکر و یادگیری تدوین شده اند. این برنامه در ده جلسه یک و نیم ساعته و هفته ای یک جلسه اجرا شد. قبل از شروع داستان، پژوهشگر با مشارکت تمامی دانش آموزان مقرراتی را وضع کرد تا همه افراد آن حالات و عواطف را رعایت کنند. پژوهشگر هدایت بحث را به عهده گرفت تا دانش آموزان از موضوع خارج نشوند. سپس افراد دارای مشارکت و نظرات بهتر، تشویق شدند. روایی محتوای این برنامه مداخله در پژوهش عبدالله زادگان و سرداری به تأیید رسید (۳۵).

جدول ۱. محتوای جلسات آموزش تئوری انتخاب (۳۳)

جلسه	شرح
اول	آشنایی اعضا با یکدیگر، مطرح کردن قواعد آموزش گروهی و هدف آموزش، مدت جلسات، مفهوم سازی اولیه، جمع بندی
دوم	آموزش مفاهیم اصلی تئوری انتخاب، معرفی رفتار و ویژگی های آن، آموزش مؤلفه های رفتار (چهار مؤلفه)
سوم	خلاصه سازی جلسه پیشین، آشنایی با نیازها و چرایی صدور رفتار، انواع هویت، هویت های موفق و شکست و روند شکل گیری آن ها، جمع بندی
چهارم	خلاصه سازی جلسه گذشته، اهمیت زمان حال و اهمیت انتخاب، بررسی دو نوع هویت در قالب زمانی، کاربردی کردن مفاهیم، جمع بندی
پنجم	مرور مفاهیم قبلی، تبیین انواع واکنش به ناکامی، تعارضات و توقف رشد، تبیین شکل های به کارگیری مفاهیم در زندگی روزمره، جمع بندی
ششم	مرور جلسه پیشین، آشنایی با هیجانات از این دیدگاه، تبیین چگونگی تنظیم و گواه هیجانات، جمع بندی
هفتم	مرور جلسات پیشین، اهمیت پذیرش مسئولیت در قبال رفتار در روند رشدی، معرفی رفتارهای تخریبگر و سازنده در روابط، جمع بندی
هشتم	جمع بندی نهایی، کاربردی کردن مفاهیم با تأکید بر مسئولیت پذیری، اهمیت انتخاب و زمان حال برای ارضای نیازها و در قالب هویت موفق

2. General Self-Efficacy Scale

1. Personal Responsibility Scale for Adolescents

جدول ۲. محتوای جلسات آموزش فلسفه کندوکاو (۳۴)

جلسه	داستان	مباحث مطرح شده
اول	لانه پرنده	رعایت احساسات دیگران، احترام به نظر دیگران، مقایسه اعمال، اختلاف نظر
دوم	چاقو	تفکر و احساس، عدالت، رعایت قوانین، قوانین سازی، مسئولیت پذیری
سوم	لیندا و کلار	درک احساسات، جفت های مکمل، مقایسه، تشخیص، متضادها، درک دوستی
چهارم	بدخلقی	گواه رفتار خود به برقراری ارتباط، توجه به دیگران، قضاوت
پنجم	ستاره دریایی	دسته بندی و طبقه بندی، استدلال کردن و تفکر درباره امور، توانایی تشخیص
ششم	دعوا	انصاف، خشونت، تأمل کردن، نقل قول کردن، آداب، ناسزاگویی
هفتم	قارچ	تنگناهای اخلاقی، انتخاب و تصمیم گیری، همدلی، همدردی، شجاعت، انجام وظایف، استدلال، توجه به حیوانات
هشتم	بال دار	مسئولیت پذیری، توجهات، جروبخت، خانواده، دروغ گویی و راست گویی
نهم	خیابان سیزدهم	جامعه، عدالت، قانون، حقوق دیگران، تبعیض، شهامت
دهم	موش و قورباغه	دوستی، تصمیم گیری، پذیرش عواقب کار، استدلال

۳ یافته ها

قبل از انجام آزمون تحلیل کوواریانس، نرمال بودن داده ها، برابری واریانس ها و یکسانی شیب رگرسیون بررسی شد. به منظور بررسی نرمال بودن داده ها، آزمون شاپیرو-ویلک برای متغیرهای پژوهش در پیش آزمون و پس آزمون به کار رفت و مشخص شد، توزیع داده های تحقیق، نرمال بود ($p > 0/05$). همچنین برای سنجش شرط برابری واریانس ها، نتایج آزمون لون یکسانی واریانس ها را تأیید کرد ($p > 0/05$). پیش فرض همگنی شیب رگرسیون نیز بررسی و تأیید شد ($p > 0/05$)؛ بنابراین با برقراری سه پیش فرض مذکور، آزمون تحلیل کوواریانس برای تحلیل داده ها به کار رفت.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، علاوه بر استفاده از شاخص های گرایش به مرکز و شاخص های پراکندگی به عنوان شاخص های آمار توصیفی، از آمار استنباطی نیز استفاده شد. آمار استنباطی شامل آزمون تحلیل کوواریانس با ارزیابی پیش فرض های آن یعنی آزمون شاپیرو-ویلک به منظور ارزیابی تطابق توزیع مشاهدات با توزیع نرمال، آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس گروه ها، آزمون کوواریانس و بررسی اثر متقابل بین عامل و گروه برای ارزیابی همگنی شیب خطوط رگرسیون به کار رفت. همچنین از آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه زوجی و تعیین مقدار اختلافات، استفاده شد. تحلیل داده ها در نسخه ۲۳ نرم افزار SPSS صورت گرفت و با مفروض داشتن سطح اطمینان ۹۵ درصد، سطح معناداری (خطای نوع اول) برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۳. شاخص های توصیفی خودکارآمدی در گروه های آزمایش و گواه

متغیر وابسته	گروه گواه		گروه تئوری انتخاب		گروه فلسفه کندوکاو		کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
خودکارآمدی پیش آزمون	۴۴/۷	۲/۶۲	۴۵/۳	۴/۷۳	۴۷/۲	۲/۷۸	۴۵/۷۳	۳/۵۶
خودکارآمدی پس آزمون	۴۳/۸	۳/۶۷	۵۳/۵	۲/۷۹	۴۸/۶	۴/۰۸	۴۸/۶۳	۵/۲
مسئولیت پذیری پیش آزمون	۳۲/۱	۵/۶۸	۳۷/۱	۳/۱	۴۰/۶	۳/۵	۳۶/۵	۶/۰۷
مسئولیت پذیری پس آزمون	۳۱/۱	۵/۴۶	۳۷/۴	۲/۲۷	۴۱/۲	۵/۰۹	۳۶/۶	۵/۴۲

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می شود، شاخص میانگین و انحراف معیار برای شاخص خودکارآمدی به تفکیک گروه گواه و گروه های آزمایش (گروه تئوری انتخاب و گروه فلسفه کندوکاو) در دو حالت پیش آزمون و پس آزمون بررسی شده است. مقایسه های میانگین مشخص می کند، در گروه گواه تغییرات درخورتوجهی در شاخص مسئولیت پذیری دیده نشد؛ اما در گروه های آزمایش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو، تغییرات مربوط به شاخص مسئولیت پذیری از مراحل پیش آزمون به پس آزمون، با روند افزایشی همراه بود.

همان طور که در جدول ۳ ملاحظه می شود، شاخص میانگین و انحراف معیار برای شاخص خودکارآمدی به تفکیک گروه گواه و گروه های آزمایش (گروه تئوری انتخاب و گروه فلسفه کندوکاو) در دو حالت پیش آزمون و پس آزمون بررسی شده است. مقایسه های میانگین نشان می دهد، در گروه گواه تغییرات درخورتوجهی در شاخص خودکارآمدی دیده نشد؛ اما در گروه های آزمایش تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو، تغییرات مربوط به شاخص خودکارآمدی از مراحل پیش آزمون به پس آزمون، با روند افزایشی همراه بود و این روند درخورتوجه بود.

جدول ۴. بررسی وضعیت انطباق متغیرها با توزیع نرمال

سازه	گروه	شاپیرو-ویلک	
		آماره	درجه آزادی
خودکارآمدی پیش‌آزمون	گواه	۰/۹۴	۱۰
	تئوری انتخاب	۰/۹۴	۱۰
	فلسفه کندوکاو	۰/۸۷۹	۱۰
خودکارآمدی پس‌آزمون	گواه	۰/۷۸۹	۱۰
	تئوری انتخاب	۰/۷۸۲	۱۰
	فلسفه کندوکاو	۰/۹۳۲	۱۰
مسئولیت‌پذیری پیش‌آزمون	گواه	۰/۹۴۵	۱۰
	تئوری انتخاب	۰/۸۸۰	۱۰
	فلسفه کندوکاو	۰/۸۱۲	۱۰
مسئولیت‌پذیری پس‌آزمون	گواه	۰/۸۳۴	۱۰
	تئوری انتخاب	۰/۸۵۵	۱۰
	فلسفه کندوکاو	۰/۷۹۱	۱۰

باتوجه به مقادیر آماره آزمون شاپیرو-ویلک، سطوح معناداری آزمون، مقادیری بیشتر از مقدار خطا (۰/۰۵) داشت؛ بنابراین فرض نرمال بودن داده‌های جمع‌آوری شده برقرار بود. از دیگر آزمون‌های استفاده‌شده برای رعایت پیش‌فرض تحلیل کوواریانس، آزمون لون بود که به‌منظور بررسی همگنی واریانس‌ها آزمون در گروه گواه و گروه‌های آزمایش انجام شد و نتایج در جدول ۵ آورده شده است. نتایج آزمون لون، برقراری همگنی واریانس‌ها را نشان داد و این پیش‌فرض برقرار بود. از

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری بین‌گروهی برای متغیر خودکارآمدی

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار احتمال	مجذور اتا	توان
خودکارآمدی پس‌آزمون	۵۷/۲۴	۱	۵۷/۲۴	۶/۰۱	۰/۰۲۲	۰/۷۱	۱

براساس جدول ۵، مقدار F به‌دست‌آمده برای متغیر خودکارآمدی معنادار بود ($p=۰/۰۲۲$)؛ بنابراین هر دو مداخله یعنی روش درمان تئوری انتخاب و روش درمان فلسفه کندوکاو بر خودکارآمدی کودکان کار تأثیر داشت. همچنین میزان تأثیر این آموزش‌ها باتوجه به مقدار

جدول ۶. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در متغیر خودکارآمدی

متغیر وابسته	گروه مبنا	گروه مقایسه‌شده	اختلاف میانگین (I-J)	خطای معیار	p
خودکارآمدی	درمان تئوری انتخاب	فلسفه کندوکاو	۵/۴۳	۲/۱۳	<۰/۰۰۱
	درمان تئوری انتخاب	گواه	۸/۵۹	۳/۳۹	<۰/۰۰۱
	درمان فلسفه کندوکاو	گواه	۳/۱۶	۲/۲۹	<۰/۰۰۱

باتوجه به نتایج جدول ۶، مداخله درمانی مبتنی بر تئوری انتخاب ($p<۰/۰۰۱$) و مداخله درمانی فلسفه کندوکاو ($p<۰/۰۰۱$) برای گروه‌های آزمایش درمقایسه با گروه گواه، موجب افزایش خودکارآمدی شد. همچنین بین اثربخشی درمان مبتنی بر تئوری انتخاب و درمان فلسفه کندوکاو، تفاوت معنادار وجود داشت ($p<۰/۰۰۱$)؛ به‌طوری‌که درمان تئوری انتخاب درمقایسه با درمان فلسفه کندوکاو دارای اثربخشی بیشتری بود؛ بنابراین ضمن مؤثر بودن روش‌های آموزش

پیش‌آزمون استفاده شد. نتایج معنادار نبود ($p > 0/05$) و آزمون کوواریانس و بررسی تعامل گروه پیش‌فرض همگنی شیب خطوط رگرسیون را رد نکرد. بر این اساس برقراری پیش‌فرض‌های لازم برای

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای متغیر مسئولیت‌پذیری

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مقدار احتمال	مجذورات	توان آزمون
مسئولیت‌پذیری	۷۶۸/۴۹	۲	۱۵۳/۶	۱۲/۲۶	$< 0/001$	۰/۷۱۹	۱

براساس جدول ۷، مقدار F به‌دست‌آمده برای متغیر خودکارآمدی معنادار بود ($p < 0/001$)؛ بنابراین هر دو مداخله یعنی روش درمان تئوری انتخاب و روش درمان فلسفه‌کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار تأثیر داشت. همچنین میزان تأثیر این آموزش‌ها باتوجه به

جدول ۸. نتایج آزمون تعقیبی برای بررسی تفاوت بین گروه‌ها در متغیر مسئولیت‌پذیری

متغیر وابسته	گروه مبنا	گروه مقایسه‌شده	اختلاف میانگین (I-J)	خطای معیار	p
مسئولیت‌پذیری	درمان تئوری انتخاب	فلسفه‌کندوکاو	۰/۸۵	۳/۸۳	۰/۶۸۶
	درمان تئوری انتخاب	گواه	۲/۶۵	۳/۲۷	$< 0/001$
	درمان فلسفه‌کندوکاو	گواه	۳/۵۱	۳/۴۶	$< 0/001$

می‌کنند و درمقابل رویدادهای منفی و نامطلوب زندگی خویش، توانایی حل موفقیت‌آمیز آن‌ها را دارند (۲۶، ۲۷). همچنین تلاش برای کسب هویت موفق منجر می‌شود افراد خود را توانا و لایق در نظر بگیرند که توانایی تسلط بر محیط خود و اعتماد کافی برای ادامه زندگی را دارند. رشد این خصیصه‌ها در افراد براساس نظریه انتخاب منجر به افزایش خودکارآمدی در کودکان کار شده است (۳۶). خودکارآمدی مقوله‌ای است که کودکان کار از جانب آن بیشترین آسیب را می‌بینند. اگر با دیدی کلی نگریده شود، آنچه حد یا خط قرمزی در جهت سالم زندگی کردن و تغییر جهت زندگی فعلی آن‌ها خواهد شد، میزان رشد خودکارآمدی در کودکان خواهد بود (۳۷). رشد خودکارآمدی برای سلامت جسم و روح این نوع کودکان ضروری است؛ تا آنجا که کمک می‌کند اگر کودکی مجبور به کار کردن است و نمی‌توان راه چاره‌ای برای بهبود وضعیت او اتخاذ کرد، حداقل به کمک رشد خودکارآمدی به او آموزش داده شود تا بتواند در بین کارهای موجود بهترین گزینه را انتخاب کند. افراد خود باعث ضعف خودکارآمدی‌شان نمی‌شوند؛ اما خود مسئول هستند که برای رهایی از آن تصمیم‌گیری کنند (۲). از آنجا که کودکان آسیب‌دیده کار، شرایط مناسب را برای غلبه یا افزایش خودکارآمدی خود ندارند، محیط‌های آموزشی کودکان عامل مناسب‌تر در افزایش خودکارآمدی آن‌ها است (۳۷). نظریه انتخاب با مفهوم روان‌شناسی کنترل درونی در نهایت منجر به بروز رفتارهای مسئولانه می‌شود. درمقابل، افراد دارای روان‌شناسی کنترل بیرونی، عقیده دارند که چهار جزء رفتار کلی خارج از گواه آن‌ها است و خود هیچ‌گونه گواهی بر آن ندارند (۳۸، ۳۳). ازسوی دیگر می‌توان به یافته اثربخشی آموزش فلسفه‌کندوکاو اشاره کرد. این یافته با نتایج مطالعات رهدار (۳۹) و تریکی و تاپینگ (۴۰) و تجلی‌نیا و هییتی (۴۱) همسوست. در تبیین تأثیر آموزش فلسفه به کودکان به‌روش اجتماع پژوهشی بر خودکارآمدی می‌توان گفت، قرارگرفتن در یک جمع، با وضع قوانین خاص باعث بهبود و رشد تفکر

باتوجه به نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی در جدول ۸، بین گروه گواه با گروه‌های آموزش تئوری انتخاب و فلسفه‌کندوکاو، در متغیر مسئولیت‌پذیری تفاوت معنادار مشاهده شد ($p < 0/001$)؛ اما دو گروه آزمایشی باهم اختلاف معنادار نداشتند؛ به عبارتی دو روش آموزشی دارای اثر یکسانی بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار بود ($p = 0/686$).

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش تئوری انتخاب و فلسفه‌کندوکاو بر مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی کودکان کار رده سنی ۱۲ تا ۱۴ سال انجام شد. نتایج نشان داد، آموزش تئوری انتخاب و فلسفه‌کندوکاو بر افزایش متغیرهای خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری گروه‌های آزمایش درمقایسه با گروه گواه، تأثیر معنادار داشت. همچنین روش آموزشی تئوری انتخاب درمقایسه با آموزش فلسفه‌کندوکاو اثربخشی بیشتری بر میزان خودکارآمدی کودکان کار داشت؛ اما تفاوت معناداری بین اثربخشی دو روش آموزشی مذکور بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار مشاهده نشد.

یافته اثربخشی آموزش تئوری انتخاب با نتایج پژوهش‌های نگ و پیچ (۲۶) و بربر چلیک و اوداسی (۲۷)، همسوست. در تبیین این یافته می‌توان گفت، کودکان کار به‌دلیل شرایط واقع در آن، در معرض آسیب‌های روانی مختلفی قرار دارند و به‌تبع آن با افکار و احساسات ناخوشایندی درگیر هستند که زمینه نبود خودکارآمدی را در آن‌ها رقم می‌زند. نداشتن خودکارآمدی مناسب زمینه را برای بروز رفتارهای پرخطر چون اعتیاد، بزهکاری، سرقت، ترک منزل و خودکشی فراهم می‌کند. آموزش گروهی نظریه انتخاب بر بهبود خودکارآمدی این کودکان به آن دلیل معنادار بود که در نظریه مذکور بر منبع کنترل درونی و هویت موفق تأکید شده است. در کنترل درونی افراد موفقیت‌های خویش را به توانایی‌های خود نسبت می‌دهند و احساس ارزشمندی

انتقادی، خلاق و مهارت‌های خودکارآمدی می‌شود؛ آنچنان‌که لیپمن نیز در بیان اهداف آموزشی فلسفه به کودکان به آن اشاره می‌کند (۴۲). به نظر می‌رسد، عامل مهمی که فرد می‌تواند میزان موفقیت‌آمیز بودن روابط اجتماعی خود را ارزشیابی کند، انتظارات خودکارآمدی است و این انتظارات در محیط‌های اجتماعی و تعاملات میان‌فردی ایجاد می‌شود (۱۶، ۱۷). به‌علاوه این فرایند نیازمند مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، پذیرش مسئولیت و حساسیت درقبال احساسات دیگران است؛ در نتیجه، درگیر شدن در آموزش فلسفه به کودکان همان‌گونه که اثرات شناختی و افزایش خودکارآمدی، هوش اجتماعی و هوش هیجانی را به دنبال دارد، دارای اثرات اجتماعی عاطفی زیادی نیز است (۱۹).

باتوجه به نتایج حاصل درباره مقایسه دو روش آموزشی تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو و اثربخشی هر دو روش بر افزایش خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری، پژوهشگر به پژوهشی درباره مقایسه این دو روش آموزش دست نیافت؛ اما باتوجه به مؤلفه‌های مشترک در دو روش می‌توان بیان کرد، هدف اصلی رویکردهای نظریه انتخاب و فلسفه کندوکاو، کمک به افراد برای آگاهی از نیازهای خود و پایش رفتار و انجام انتخاب‌های مناسب است که تمامی این مؤلفه‌ها منجر به درک مسئولیت افراد درقبال رفتارها و انتخاب و اعمالشان می‌شود (۲۶-۱۶). برنامه آموزش فلسفه به کودکان کمک می‌کند تا احساس بهتری درباره توانایی‌های خود داشته باشند. فلسفه برای کودکان برنامه‌ای است که با تأکید بر گفت‌وگو با همسالان و مباحثه هشیارانه، باعث پیامدهای مثبت برای آن‌ها می‌شود. آموزش فلسفه به کودکان، کودکان را به هشیارتر بودن درباره تفکر و یادگیری خود، یعنی آگاه بودن از آنچه می‌اندیشند و یاد می‌گیرند، تشویق می‌کند (۴۳). همچنین توانمندسازی مبتنی بر نظریه انتخاب در نظر دارد، رفتاری را که فرد درصدد اصلاح آن است شناسایی کند، تمام توجه خود را به آن معطوف سازد و عذر و بهانه‌ای برای رد مسئولیت خود نیاورد. در این رویکرد تلاش می‌شود تا کودکان اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت زندگی خود را بشناسند، با صراحت آن‌ها را تعریف کنند، راه‌های رسیدن به اهدافشان را ارزیابی کنند، از بین آن‌ها روش‌هایی را که به نتایج مطلوب‌تری خواهد انجامید انتخاب کنند و احساس مثبت‌تری را درباره خود تجربه نمایند (۴۴).

۵ نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، آموزش نظریه انتخاب و فلسفه کندوکاو بر متغیرهای مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تأثیر دارد. ضمن مؤثر بودن روش‌های آموزش (تئوری انتخاب و فلسفه کندوکاو) بر افزایش خودکارآمدی کودکان کار، باید بیان کرد که روش آموزشی تئوری انتخاب اثربخشی بیشتری بر میزان خودکارآمدی کودکان کار دارد؛ اما دو روش آموزشی مذکور اثربخشی یکسانی بر مسئولیت‌پذیری کودکان کار دارند.

۶ تشکر و قدردانی

از همراهی و همکاری تمامی کودکان کار رشت در پژوهش که ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

در این پژوهش به منظور انجام پژوهش از شرکت‌کنندگان رضایت کتبی دریافت شد. علاوه بر این به منظور اطمینان خاطر، به آن‌ها توضیح داده شد که پرسش‌نامه‌ها فاقد نام و دارای کد محرمانه است.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

منابع مالی

پژوهش حاضر بدون حمایت مالی سازمان خاصی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

این پژوهش حاصل رساله دکتری نویسنده اول است که با حمایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت و کد شناسایی IR.IAU.RASHT.REC.1400.019 انجام شد. نویسنده دوم، استاد راهنمای اول رساله و نویسنده مسئول، نویسنده سوم، استاد راهنمای دوم و نویسنده چهارم، استاد مشاور پژوهش بودند. همه نویسندگان نسخه نهایی را خواندند و تأیید کردند.

References

1. Rasekhinejad M, Khodabakhshi-Koolae A. Effectiveness of psychodrama on increasing social skills and reducing of aggression in Afghan immigrant labor children. Journal of Pediatric Nursing. 2019;6(2):60-7. [Persian] <https://jpen.ir/article-1-370-en.html>
2. Akbari Ali Abadi M, Khaleghipour S, Oreizi Samani HR. The relationship between post-traumatic stress disorder and behavioral problems of sexually abused labor children compared to orphaned children. Journal of Pediatric Nursing. 2016;3(1):1-10. [Persian] <http://dx.doi.org/10.21859/jpen-0301150>
3. Kazemi S. The labor children in a world they never made. Community Health. 2017;4(2):76-8. [Persian]
4. Siadat SM. Effects of social skills teaching on the self-esteem and identity dimensions of the labor children. Educational Psychology. 2016;11(37):83-101. [Persian] https://jep.atu.ac.ir/article_3665_en.html
5. Lohrasbi Z. Asar bakhshiye rahkar haye tabavari bar salamat nafs koodakan kar [The effectiveness of resilience strategies on the mental health and self-esteem of working children] [Thesis for MSc]. [Tehran, Iran]: Islamic Azad University, Central Tehran Branch; 2014. [Persian]

6. Nicolella A, Kassouf AL. The effect of child labour on children's health in Brazil. *Int J Soc Econ*. 2018;45(2):357–71. <https://doi.org/10.1108/IJSE-10-2016-0292>
7. Aransiola TJ, Justus M. Child labor hazard on mental health: evidence from Brazil. *J Ment Health Policy Econ*. 2018;21(2):49–58.
8. Jordan CH, Zeigler-Hill V. Fragile self-esteem. In: Zeigler-Hill V, Shackelford TK; editors. *Encyclopedia of personality and individual differences*. Cham: Springer; 2020. https://doi.org/10.1007/978-3-319-24612-3_1131
9. Peterson AV. Choice theory and reality therapy. *TCA Journal*. 2000;28(1):41–9. <https://doi.org/10.1080/15564223.2000.12034563>
10. Glasser W. Daramadi bar ravanshenasi omid teory entekhab [An introduction to the psychology of choice theory hope]. Sahebi A. (Persian translator). Tehran: Sayeh Sokhan; 2021.
11. Seadatee Shamir A, Najmi M, Haghshenas Rezaeeyeh M. The effectiveness of reality therapy training on marital engagement and marital engagement in married students in Azad university. *Journal of Research in Educational Science*. 2018;12:563–669. [Persian] http://www.jiera.ir/article_65019.html?lang=en
12. Yadollahi Saber F, Ebrahimi MS, Zamani N, Sahebi A. The effect of choice theory training on responsibility and hopefulness of female students Islamic Azad university Hamedan. *Social Cognition*. 2019;8(1):165–74. [Persian] https://sc.journals.pnu.ac.ir/article_5767.html?lang=en
13. Beatson NJ, Berg DAG, Smith JK. The impact of mastery feedback on undergraduate students' self-efficacy beliefs. *Studies in Educational Evaluation*. 2018;59:58–66. <https://doi.org/10.1016/j.stueduc.2018.03.002>
14. Schultz DP, Schultz SE. Theories of personality. Seyed Mohammadi Y. (Persian translator). Tehran: Virayesh Pub; 2013.
15. Crane W. Nazariye haye roshd [Growth theories]. Khoy Nezhad Gh, Rajaei Gh. (Persian translator). Tehran: Roshd Publications; 2000.
16. Ghaedi Y. Mabani nazari falsafe baraye koodakan [Theoretical foundations of philosophy for children]. Tehran: Meraat; 2016. [Persian]
17. Östlin P, Schrecker T, Sadana R, Bonnefoy J, Gilson L, Hertzman C, et al. Priorities for research on equity and health: towards an equity-focused health research agenda. *Plos Med*. 2011;8(11):e1001115. <https://doi.org/10.1371/journal.pmed.1001115>
18. Zahedi Asl M. Social damages from the social work approach. Tehran: Allameh Tabatabai University Press; 2014. [Persian].
19. Gregory M, Brubaker N. *Philosophy for children: practitioner handbook*. Montclair, NJ: Montclair State University; 2008.
20. Ghadmayari M, Malekpour B, Rashidpour R. Barrasiye erteбат amoozesh falsafe baraye koodakan dar tarbiat shahrvand jahani [Investigating the relevance of philosophy education for children in global citizen education]. In: The fourth conference of the Philosophy of Education Association of Iran. Mashhad; 2013. [Persian]
21. Paine MR. The pedagogy of philosophy for children/philosophical enquiry [Thesis for MSc]. [Heslington, York]: University of York; 2012.
22. Karikó S. The new responsibility and challenge of education: the current and prospective situation of philosophy for children. *Practice and Theory in Systems of Education*. 2016;11(2):105–17. <http://dx.doi.org/10.1515/ptse-2016-0013>
23. Abdolazadeghan R, Sardary B. Effectiveness of teaching philosophy to children on students' creative self-efficacy and self-determination. *Tafakor va Kudak (Thinking and Children)*. 2022;13(2). [Persian] https://fabak.ihcs.ac.ir/article_7685.html?lang=en
24. Glasser W. *Warning: Psychiatry can be hazardous to your mental health*. New York: HarperCollins Publishers; 2003.
25. Gorbanaipour M, Najafi M, Alirezalo Z, Nasimi M. The effectiveness of reality therapy on happiness and hope in divorced women. *Family Counseling and Psychotherapy*. 2014;4(2):297–317. [Persian] https://fcp.uok.ac.ir/article_9672.html?lang=en
26. Ng JH, Page A. Revised reality therapy: a new intervention to help boost self-esteem in malaysian secondary schools. In Jegathesan A, Abdullah S; editors. *Multicultural counseling applications for improved mental healthcare services*. IGI Global; 2019, pp. 64–83. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-6073-9.ch004>
27. Berber Çelik Ç, Odacı H. Psycho-educational group intervention based on reality therapy to cope with academic procrastination. *J Rat Emo Cognitive Behav Ther*. 2018;36(3):220–33. <https://doi.org/10.1007/s10942-017-0283-1>
28. Delavar A. Mabani nazari va amali pazhouhesh dar oloume ensani va ejtemaae [Theoretical and practical foundations of research in the humanities and social sciences]. Tehran: Roshd Publication; 2020. [Persian]
29. Mergler A, Shield P. Development of The Personal Responsibility Scale for Adolescents. *J Adolesce*. 2016;51(1):50–7. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2016.05.011>

30. Jowkar H, Fooladchang M, Anjomshoa MR, Korhani N. The study of the reliability and validity of Personal Responsibility Scale for Adolescents. Rooyesh. 2019;8(10):161–70. [Persian] <http://frooyesh.ir/article-1-1572-en.html>
31. Schwarzer R, Jerusalem M. General Self-Efficacy Scale. American Psychological Association; 1995. <https://doi.org/10.1037/t00393-000>
32. Rajabi Gh. Barrasiye payayi va revaei meghyas bavar haye khodkaramadi omoumi (GSE-10) dar daneshjooyan ravan shenasi daneshkade oloom tarbiati va ravan shenasi daneshgah shahid Chamran Ahvaz va daneshgah Azad Marvdasht [Reliability and validity of the General Self-Efficacy Beliefs Scale (GSE-10) comparing the psychology students of Shahid Chamran niversity and Azad university of Marvdasht]. New Thoughts on Education. 2006;2(1–2):111–22. [Persian] <https://doi.org/10.22051/jontoe.2006.287>
33. Amani A. The efficacy of reality therapy on marital commitment and self esteem of couples. Family Counseling and Psychotherapy. 2015;5(2):1–22. [Persian] https://fcp.uok.ac.ir/m/m/article_15723.html?lang=en
34. Cam P. Thinking stories 3: philosophical stories for children and teacher resource/activity book. Shahrtash F, Ebrahimi Looyeh N. (Persian translator). Tehran: Shahrtash Publications; 2006.
35. Abdolhazadeghan R, Sardary B. Effectiveness of teaching philosophy to children on students' creative self-efficacy and self-determination. Tafakor va kudak (Thinking and Children). 2023;13(2). [Persian] https://fabak.ihcs.ac.ir/article_7685.html?lang=en
36. Glasser W. Choice theory. Rahmanian N. (Persian translator). Tehran: Ashian Pub; 2006.
37. Tabatabai Nia S. Asar bakhshiye vagheiyat darmani gorouhi bar tabavari va shadkami danesh amoozan motavasete shahre Shiraz [Effectiveness of group reality therapy on the resilience and happiness of high school students in Shiraz] [Thesis for MSc]. [Marvdasht, Iran]: Islamic Azad University, Marvdasht Branch; 2005. [Persian]
38. Hashemi Shirazi L. Asar bakhshi vagheiat darmani gorouhi bar ezterab va ezzat nafs danesh amoozan dokhtar motavasete [The effectiveness of group reality therapy on anxiety and self-esteem of high school female students] [Thesis for MSc]. [Marvdasht, Iran]: Islamic Azad University, Marvdasht Branch; 2014. [Persian]
39. Rahdar A. Tasire amoozeshe falsafe be koodakan dar khodkaramadi, khoshbini, shadi va tafakor enteghadi [The effect of teaching philosophy to children on self-efficacy, optimism, happiness and critical thinking]. [Sistan and Baluchestan, Iran]: University of Sistan and Baluchestan; 2016. [Persian]
40. Trickey S, Topping KJ. Collaborative philosophical enquiry for school children socio-emotional effects at 11 to 12 years. School Psychology International. 2006;27(5):599-614. doi.org/10.1177/0143034306073417
41. Tajali Nia A, Heibati S. The community of inquiry, an approach for enhancing Creativity. J Educ Manage Stud. 2014;4(3):527–44.
42. Lipman M. Critical thinking, what can it be? Educational Leadership. 1988;40(1):38-43.
43. Trickey S, Tapping KT. Philosophy for children: a systematic rview. Research Papers in Education. 2004;19(3):365-80. <https://doi.org/10.1080/0267152042000248016>
44. Sahebi A, Soltani Far A. Invitation to responsibility. Tehran: Saye Sokhan Pub; 2016. [Persian]